

مایکل هولکویست

مکالمه گرای

میخائیل باختین و جهانش

ترجمه مولی امیرخانلو



انتشارات نیاور

سرشناسه	هولکویست، مایکل، ۱۹۳۵ - م. Holquist, Michael
عنوان و نام پدید آور	مکالمه گرایی: میخائیل باختین و جهانش / مایکل هولکویست؛ ترجمه مهدی امیرخانلو.
مشخصات نشر	تهران: نیلوفر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۳۰۹ ص.
شابک	978-964-448-691-3
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	عنوان اصلی: Dialogism: Bakhtin and his world, c1990.
عنوان دیگر	میخائیل باختین و جهانش
موضوع	باختین، میخائیلوویچ، ۱۸۹۵-۱۹۷۵ م. Bakhtin, Mikhail Mikhailovich
موضوع	منتقدان - روسیه شوروی - سرگذشتنامه Critics - Soviet Union1 - Biography
موضوع	گفتگوگرایی (نقد ادبی) Dialogism (Literary analysis)
موضوع	ادبیات - فلسفه Literature - Philosophy
شناسه داده	امیرخانلو، مهدی، ۱۳۶۵ - مترجم
رده ی کنگره	۱۳۹۵ ۲۵۲ ب / PG ۲۹۴۷
هinde یجی	۸۰۱/۹۵۰۹۲
شماره تابشناسی ملی	۴۴۹۶۶۴۴



انتشارات بهان: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۴۶۱۱۱۷

مایکل هولکویست

مکالمه گرایی

ترجمه مهدی امیرخانلو

نسخه پرداز: فرید دبیرمقدم

حروفچینی: شبستری

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۵

چاپ گلبان

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق محفوظ است.

فروش اینترنتی: www.behanbook.ir

فهرست مطالب

۷	یادداشت مترجم
۱۳	مقدمه
۱۵	فصل اول: زنان و باختین
۳۵	فصل دوم: وجه در مقام مکالمه
۷۵	فصل سوم: زبان در مقام مکالمه
۱۱۳	فصل چهارم: رمان نونگ در مقام مکالمه: رمان آموزشی و آموزش رمان
۱۶۹	فصل پنجم: مکالمه تاریخ بوم‌شناختی
۲۲۹	فصل ششم: تألیف در مقام مکالمه: آشنایی با تکنیک پاسخگویی
	ضمیمه: مکالمه در مقام نکر و فیلیا
۲۷۷	(یا، چرا باختین این همه سوء تفاهم آفرین است؟)
	مهدی امیرخانلو، محسن ملکی
۳۰۵	نمایه

یادداشت مترجم

در انتخاب معادلی برای عنوان اصلی کتاب^۱ به مشکلاتی برخوردیم، و این مشکلات نه ترجمه بلکه در پایان کار ظاهر شدند، یعنی زمانی که معادل مورد نظر^۲ قبل انتخاب شده بود. کمترین یا شاید مهم‌ترین این مشکلات زمخت بودن، ناآشنا بودن (یا کمتر شناخته شده بودن) و حتی پس‌زننده بودن معادل تحت‌اللفظ یا سرراست عنوان کتاب بود: «مکالمه‌گرایی». غرابت واژه ناشر محترم را نیز به تردید انداخت. باختین در فضای فکری ایران نامی نسبتاً آشناست، اما، در کنار اصطلاحاتی مانند چنان‌صدایی و رمان‌گونه‌گی و کارناوال، او را عموماً با منطق گفت‌وگو و گفت‌وگومندی یا گفت‌وگومداری می‌شناسند نه مکالمه‌گرایی. طرفه این که شخص باختین هنوز، گفته نویسنده کتاب، از این اصطلاح استفاده نکرده است و دیالوژیسم^۳ «اسم تازه‌ای است که مایکل هولکویست خود برای «فهم فعالیت‌های پراکنده باختین در قالب یک کل» جعل کرده است. پس مشکل بزرگتر این‌جا بود که این اصطلاح، «همین علت، اصطلاح محوری کتابی بود که وی در شرح آراء میخائیل باختین نوشته بود. انتخاب معقول‌تر می‌توانست چیزی شبیه همان «منطق مکالمه» یا «اصل گفت‌وگویی» باشد، اما مترجم کتاب به سه دلیل بر سر همان معادل ناآشنا یا کمتر شنیده شده اصرار کرد.

دلیل نخست همان نفس ناآشنایی است. درست به همان منوال که نویسنده

کتاب می‌کوشد به واسطهٔ ابداع این «ایسم» تازه، درک و دریافت غرب از باختین را، که به قول خودش تحت الشعاع نوعی کثرت‌گرایی احمقانه یا کارناوال‌گرایی بچگانه بوده است، و اسازی کند و به مسیری دیگر اندازد، ترجمهٔ کتاب نیز امید دارد همین نقشه را در زبان فارسی پیاده کند، جایی که اقبال به باختین بیشتر به سوءاستفاده‌های سیاسی و بدفهمی‌های ادبی، یعنی در یک کلام بداقبالی او، منجر شده است.^۱ انتخاب عنوانی هرچه ناآشنا تر می‌توانست برای رسیدن به هدف فوق بیشتر به کار آید.

اما تحقق این هدف، ضمناً در گرو انتخاب معادل «مکالمه» به جای «گفت‌وگو» برای لغت «dialogue» نبود. به نظر می‌رسید معادل «گفت‌وگو» حاوی همهٔ آن سوابق سوءاستفاده و بدفهمی باشد،^۲ اما ضمناً دو دلیل دیگر انتخاب «مکالمه» و نه «گفت‌وگو» را ضروری می‌ساختند. هر دوی این دلایل مستقیماً به خاستگاه‌های فکری باختین مربوط می‌شوند. نخست، بنا به خاستگاه فلسفی، ریشه‌های دیالوگ در باختین را باید در سراسر فلسفه می‌در دیالوگ‌های افلاطون جست. شخص باختین بارها بر اهمیت آن‌ها تأکید کرده است، از جمله در کتاب مسائل بوطیقای داستایفسکی که در سیر تحول رمان و شکل‌گیری نثر هنرمندانه‌ای که خود آن را «دیالوژیک» می‌نامد برای آن‌ها اهمیت تعیین‌کننده قائل می‌شود.^۳ تا آن‌جا که به سنت ترجمهٔ متون فلسفی در ایران مربوط است، آنچه ما به عنوان آثار فلسفی افلاطون می‌شناسیم مکالمات افلاطون یا مکالمات سقراطی است و نه گفت‌وگوهای سقراطی.

۱. در این بداقبالی البته شخص باختین بی‌تقصیر نبوده است.

۲. در این باره در مؤخره‌ای که به کتاب ضمیمه شده و در آن نقبی به تاریخ اقبال به باختین در ایران زده شده، مفصل بحث شده است.

۳. بنگرید به

Problems of Dostoevsky's Poetics, ed. and trans. Caryl Emerson (Minneapolis: University of Minnesota Press, 1984), p. 109.

(به نازگی ترجمه‌ای از این کتاب منتشر شده است: پرسش‌های بوطیقای داستایفسکی، ترجمهٔ سعید صلح‌جو، انتشارات نیلوفر، ۱۳۹۵).

دلیل دیگر به خاستگاه الهیاتی تفکر باختین بازمی‌گردد. هرچند در شرح هولکویست تقریباً ردی از تأثیر آموزه‌های مسیحی بر تفکر باختین نمانده است، اما او خود در مقدمه‌اش اذعان می‌کند که باختین در سراسر عمر خویش فردی بسیار مذهبی بود که برایش برخی سنت‌های مسیحیت ارتدوکس روسیه در درجه اول اهمیت قرار داشت. تری ایگلتن در نقدی مختصر اما روشنگر بر یکی از آثار منتشرشده در شرح آراء باختین می‌گوید، باختین به معنای دقیق کلمه ماتریالیست تاریخی نبود اما تفکر او هم تاریخی بود و هم ماتریالیستی. آیین‌های مذهبی کلیسای روسیه و باور شبه‌ماتریالیستی آن به مقدس بودن امور جسمانی، نقش مهمی در این وصلت ایفا کرد. ایمان ارتدوکس روس ایمانی بود که وجه انسانی مسیح و غنای زندگی روزمره را توأمان می‌ستود. پس در پشت علاقه مفرط باختین به مادی - کلمه نوعی الهیات مبتنی بر تجسد نهفته است. کلمه‌ای که گوشت می‌گیرد، به زعم ایگلتن، نقشی محوری در تألیفات باختین دارد. و نباید از این نکته غافل بود که در ادبیات کلامه در این جا همان logos است که اصطلاحاتی مانند dialogue و dialogic و dialogism همگی از آن مشتق شده‌اند. بار دیگر معلوم می‌شود انتخاب «مکالمه» و به تبع آن «کالمه‌گرایی»، نه انتخابی میان دو گزینه بلکه اصلاً انتخابی ضروری و اجتناب‌ناپذیر بوده است.

اما در نسبت با مفهوم مکالمه خوب است که دیگری را هم به اختصار مطرح کنیم که به همان اندازه در کانون بحث‌های کتاب جای دارد و چیزی نیست جز رابطه خود و دیگری. توضیح مختصری درباره این که هر یک به چه گونه از این رابطه برای توضیح وجوه مختلف فعالیت‌های باختین استفاده می‌کند، می‌تواند به خواننده تصویر روشن‌تری از کلیت کتاب بدهد. رابطه خود و دیگری یکی دیگر از مسائل مناقشه‌انگیز در فلسفه مکالمه‌ای میخائیل باختین است. تا جایی که به طرفداران «گفت‌وگو» مربوط می‌شود، در گفت‌وگوی واقعی، یعنی گفت‌وگوی دوجانبه و مبتنی بر تعامل بین‌الذهانی، آن‌جا که هر چه بیان می‌شود مشحون از صدای دیگری است که ایدئولوژی متفاوتی را بازنمایی می‌کند، بلکه در این گفت‌وگو است که می‌توان تمرین دموکراسی کرد. در مقابل،

منتقدان مارکسیست از جمله تری ایگلتن در همان نقد یادشده متذکر می‌شوند که مفهوم محوری مکالمه گرایی در باختین را نباید، آن‌گونه که شارحان لیبرال‌تر او تصور کرده‌اند، به معنای گوش سپردن مؤدبانه و فروتنانه به صدای دیگری دانست، و در تحلیل باختین از «گفتمان دوصدایی» نیز می‌توان انواع پیچیده‌تر مکالمه را تشخیص داد. اما آن تأکید ساده‌دلانه بر مکالمهٔ دوجانبه و تأکید مدام باختین بر مکالمهٔ درونی نباید ما را از واقعیتی مسلم غافل گرداند. درست است که باختین بر از درون مکالمه‌ای شدن کلمات تأکید می‌گذارد و برای مکالمات رودررو در پیش‌پا نیاید به کلیت چندصدایی رمان نقش محدودی قائل می‌شود، اما شک نیست که او به امکان‌های مکالمهٔ رودررو نیز نظر داشته است. هولکویست از این پس «انعارهٔ «دیدن» در آثار باختین یاد می‌کند. در آزمایشی فرضی، دو نفر که در اتاقی در به‌روی یکدیگر نشسته‌اند، هریک نسبت به دیگری از نوعی «مازاد دیدن» برخوردار است (آنچه الف در آن اتاق می‌بیند و ب نمی‌بیند، و بالعکس). هر کدام از این دو با آن‌که بتواند به درک کاملی از آن به قول هولکویست «فضای شناختی» دست یابد باید مازاد دیدن دیگری را از آن خود کند. و اگر زمان و مکان را به معنایی کانتی شبیه این ادراک بدانیم، آنگاه با تقابلی سروکار داریم میان زمان و مکانی که یک آگاهی برای ترسیم حدود خود (من-برای-خودم) به کار می‌گیرد و زمان و مکانی یکس متعارف که همان آگاهی برای ترسیم حدود سایر اشخاص و چیزها (غیر-من-در-من) به کار می‌گیرد، و بالعکس. بنابراین می‌بینیم که آن ارتباط دوجانبه و رودررو به‌دلیلی برای تنظیم یک جفت منظومهٔ زمان/مکان برای هر کدام از طرفین است. می‌یابد. هولکویست این منظومه‌ها یا مختصات را «مقوله‌های خود» و «مقوله‌های دیگری» می‌نامد. ویژگی مقوله‌های خود، در یک کلام، سیالیت و ناتمامی است و ویژگی مقوله‌های دیگری ثبات و تمام‌شدگی. هر آگاهی یا «من» ای مجموعه‌ای است از این مقوله‌های خود و دیگری که به نحوی مکالمه‌ای با هم در پیوندند. پس سوژه برای باختین به این معنا مکالمه‌ای است، یک نسبت است، و مکالمه نسبتی است بنیادی که می‌تواند به فهم ما از این‌که سایر نسبت‌ها چگونه عمل

می‌کنند یاری رساند. در عمل، به کمک این مدل مکالمه‌ای می‌توانیم نسبت‌هایی از قبیل نسبت میان دال و مدلول، متن و زمینه، سیستم و تاریخ، زبان و بلاغت و... را درک کنیم. بر مبنای همین استحاله است که هولکویست مکالمه‌گرایی خود را بنا می‌کند.^۱ مدل فوق‌ضمنی^۲ او امکان می‌دهد در تقابل‌های مختلف میان نظریه باختین و نظریه متفکران دیگر (سوسور، لوکاچ، اشکولوفسکی،...) بر سر موضوعی واحد، مزیت نظریه باختین را نشان دهد، یا میان عناصر مختلف در تفکر او وحدتی برقرار کند. در هر مورد با عنصری سروکار داریم که نسبت میان خود و دیگری را بر ساخته‌اند و استعاره‌ای که برای بیان وحدت آن‌ها به کار آمده است همان مکالمه است. با توسل به چنین روایتی از مکالمه است که هولکویست می‌گوید مکالمه‌گرایی باختین را از تأکیدهای رایج بر ویژگی‌های سرخوشانه و میدانیانه برهاند. مترجم کتاب امیدوار است ترجمه این اثر به فارسی نیز بتواند فتح‌بانی باشد برای رهیدن از ویژگی‌هایی مشابه که به دریافت باختین در ایران چیده‌اند.

در پایان لازم می‌دانم از نقش استادام دکتر فرزانه سجودی در ترجمه این کتاب یاد کنم. او بود که مرا به ترجمه این کتاب تسویق کرد، هرچند باید پنج سالی از آن زمان می‌گذشت تا مترجم آمادگی بزرگ و ویرایش مجدد کارش را پیدا کند و نسخه نهایی آن را برای چاپ به ناشر بسپارد. در متن باختین البته هیچ چیز نهایی نیست، اما هر اثر، مانند هر «گفت‌وگو»، باید دست‌آوردی سرانجامی داشته باشد.^۳

-
۱. و ما البته در ضمیمه این کتاب می‌کشیم به نقد مدل‌سازی او از فلسفه باختین بپردازیم.
 ۲. در مراحل آماده‌سازی کتاب بود که فهمیدیم به ویراست جدید کتاب فصلی اضافه شده است با عنوان «هتروگلاسیایی به نام باختین». هولکویست در این فصل عمدتاً به واکنش‌ها به کتاب و همین‌طور پژوهش‌های مرتبط با باختین می‌پردازد. این فصل جامانده مانند تکه‌ای بود که با بیرون ماندنش، کامل شدن کلیت کتاب را زیر سؤال می‌برد؛ در عوض، ضمیمه‌ای که به آخر کتاب اضافه شده است مانند عنصری ناساز، نوعی مکمل (supplement) می‌کشد کلیت بحث هولکویست را از نو سازمان دهد.

مقدمه

در کتابی که پیش از این با عنوان میخائیل باختین (نوشته کاترین کلارک و مایکل هولکویس، انتشارات دانشگاه هاروارد، ۱۹۸۴) منتشر شد، تلاش شده بود زندگی و تفکر باختین تا حد امکان بی طرفانه ارائه شود. هرچند ناممکن بودن بی طرفی خود یحیی از نرضای اصلی مکالمه گرایی است؛ این کلمه را به کار بردم تا بگویم در آن کتاب تمام تلاش خود را کردیم تا واقعیت‌ها را چنان‌که می‌دانستیم منتقل کنیم، بی آن که آگاهانه تفسیرشان کنیم تا با نظرات خودمان سازگار شوند، حتی وقتی آنچه گزارش می‌کردیم خلاف ارزش‌های ما بود. برای مثال، من فردی بی‌ایمانم، اما هیچ تشریحی صورت نگرفت تا این واقعیت مسلم بی‌اهمیت جلوه کند که باختین در سراسر عدولش فردی بسیار مذهبی (ولو بسیار نامتعارف) بود که برایش برخی سنت‌های مسیحیت ارتدوکس روسیه در درجه اول اهمیت قرار داشت.

این کتاب از چند جهت با کتاب مذکور تفاوت دارد، مهم‌ترین دلیل این که به همه آثار باختین به یک اندازه نمی‌پردازد — هرچند از همه متن‌های او که از او موجود است بهره می‌گیرد. برخی آثار را برجسته می‌سازد، در مورد الباقی به اشاره‌ای بسنده می‌کند. در این جا تلاش بر رعایت نهایت ایجاز بوده است، البته بدون ظفره رفتن از مسئولیت و پاسخگویی، در معنای مکالمه‌ای کلمه. مکالمه گرایی پدیده‌ای است که هنوز تا حد زیادی یک رویداد گشوده است. بنابراین، هر تلاشی برای «جامع» بودن یا «مرجع» بودن گمراه کننده است. آنچه در این کتاب

آمده نه چیزی بیشتر از دیدگاه شخصی است و نه چیزی کمتر از آن، دیدگاهی شخصی راجع به نکاتی دربارهٔ مکالمه گرایی که به نظر این خواننده با هوش متوسط، پس از صرف چند سال در مطالعه و ترجمه و تدوین و تدریس آثار باختین، مهم جلوه کرده است.

www.ketab.ir